

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تحلیل چند اصطلاح عرفانی در دیوان نیر تبریزی

فاطمه آقازاده

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

Email: fatemeh.aghazadeh39@gmail.com

چکیده

میرزا محمدتقی حجه الاسلام، متخلص به نیر تبریزی (۱۲۴۷هـ.ق-۱۳۱۲هـ.ق)، یکی از عالمان و فقهای بزرگ آذربایجان، انسانی وارسته و دارای علم و آگاهی فراوان بوده است. او در علوم ادبی و شعر مهارت داشته و تخلص او در شعر (نیر) است. یکی از آثار برجسته نیر تبریزی، دیوان اشعارش اوست که در سه بخش مثنوی آتشکده، لالی منظومه و دیوان غزلیات تنظیم شده است. هدف نیر تبریزی در دیوان خود این است که به بیان مباحث عرفانی چون: ایمان، باده، بلا، تجلی و ... پردازد. در مجموع، می توان گفت که نیر تبریزی با مطرح ساختن این مفاهیم، خواسته است به تبیین تعالیم دین مبین اسلام و مذهب تشیع بپردازد و به نحو احسن توانسته است از عهده این کار برآید. این مقاله از نوع بنیادی است که با روش تحلیلی-توصیفی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل، دیوان، نیر تبریزی، شعر عرفانی، اصطلاحات عرفانی.

مقدمه

ظلمانی را روشن ساخت و مسلمانان متفکر و جویندگان حقیقت و کمال انسانی را از چشمه زلال دانش و معرفت سیراب کرد، همگان را برانگیخت که از جوانب و جنبه‌های گوناگون، در باب توحید و شناخت حق و راه‌های وصول به حقیقت مطلق و غایت و نهایت وجود بیاندیشند؛ بدین روی از حق تعالی، قرآن کریم، احادیث، اقوال، سیرت نبوی و پیشوایان دین کمک گرفتند و اندیشه عالی خداشناسی و سیر و سلوک طریق معرفت را رشد دادند و پروردند و آن را به صورت مکتبی پر ارج و بسیار بزرگ و پهناور درآوردند و شیوه حرکت و سیر در راه تعالی و تکامل انسانیت را آموختند. این اندیشه تابناک و این سیر و سلوک یک مکتب فکری و علمی به وجود آورد که آن را عرفان نامیدند، و راه، رسم و طریقت را تصوف نام نهادند؛ یکی طریقه و راه است و دیگری تفکر و خودشناسی و حق را شناختن و به حقیقت رسیدن، یکی راه و رسم مریدی و مراد دارد و تعلیم و تعلم و صورت و قال و احوال و دیگری دریافت و ادراک دارد و اشراق و وصول به معنی و کمال.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عرفان اسلامی به کلی جنبه مثبت و پویا دارد، عارف می‌اندیشد و به سوی کمال می‌رود و دیگران را راهبری می‌کند؛ در عرفان اسلامی و دین و تقوی و اشراق و عشق به خدا و کمال مطلق یک جا جلوه می‌کند و شور و مستی و کشش و کوشش می‌آورد.

«صوفیان و عارفان و دانشمندان و پارسایان روشن بین ایرانی و بزرگان جهان اسلامی، با استفاده از علوم و معارف اسلامی و قرآن و احادیث، عرفان و تصوّف را تدوین کردند و بحث‌ها و گفت‌ها و گوها و عبارات زیبا و دل‌انگیز در کتاب‌ها و آثار خود گنج‌انیدند که بسیار از آنها مخصوصاً در نظم و نثر فارسی، از شاهکارهای علمی و ادبی و عرفانی ایران و جهان است.» (سجّادی، ۱۳۷۳: مقدمه)

«یکی از این مباحث، شرح اصطلاحات و تعبیرات و حالات و مقامات مربوط به عرفان و عارفان و تصوّف و صوفیه است. بخشی از این اصطلاحات و تعبیرات را مستحسّنات صوفیه نام نهاده‌اند که شامل امور و رسوم و اعمالی است که صوفیان پسندیده و برای سالکان مقرر داشته‌اند، مانند: خرقه پوشیدن، خرقه پوشاندن، خانقاه، چله نشینی و سماع.

و بخشی دیگر اصطلاحات و رموز است؛ طایفه صوفیه الفاظ با معانی خاص دارند که این الفاظ در نزد ما معنی ساده و ظاهری دارد ولی نزد عارفان از معانی ویژه‌ای برخوردار است. به طور مثال «خال» در نزد ما معنی ظاهری دارد ولی «خال» در نزد سالکان طریق و اهل ذوق نقطه وحدت حقیقت است. علت این که صوفیان و عارفان از این الفاظ به عنوان رمز استفاده می‌کنند این است که می‌خواهند بر نااهلان پوشیده بماند و اسرارشان آشکار نشود.

آنچه در عرف اهل علوم و فنون، اصطلاح خوانده می‌شود واژه‌ها و تعبیر خاصی است که برای افاده معنایی خاص وضع شده تا در اثر کثرت استعمال در هر علم و فن، به تدریج معانی خاص از آن اراده شده و حالت اصطلاحی یافته است. البته معنای اصطلاحی واژه، عموماً با معنای لغوی آن متناسب است. در مورد اصطلاحات صوفیه باید بگوئیم چنان که صوفی از سر وجود و حال، کلمات و عباراتی گفته‌اند که در اثر تکرار و استعمال به تدریج جنبه اصطلاحی یافته است.» (همان: ۱۴۲)

هدف از تحقیق

با اینکه برخی از نویسندگان و دانش پژوهان به آثار نثر تبریزی پرداخته‌اند، آنچه بسیار مهم می‌باشد، این است که اگر مطلبی درباره عرفان و اشارات عرفانی شاعر در برخی نوشته‌ها آمده است، نه تنها کامل نشان نمی‌دهد، بلکه به صورتی بسته و گریخته به تمامی آثار او سر زده‌اند و عرفانی پراکنده و نه کامل نشان داده‌اند، بنابراین در اینجا ضرورت احساس می‌شد که به طور انحصاری سری به دیوان نثر تبریزی بزنیم و در اصطلاحات عرفانی آن را راهگشای تحقیقات ادبیات و ادب دوستان به شرح ذیل قرار دهیم:

الف) تبیین و بازتاب عرفان نثر تبریزی در اشعار ایشان.

ج) چشاندن طعم شیرین اصطلاحات عرفانی نثر تبریزی در دهان ذوق خوانندگان با این هدف که بدانند اصطلاحات عرفانی در اندیشه و افکار ذوقی - ادبی او دارای چه جایگاهی است.

د) دست یافتن به این موضوع که اشعار نثر تبریزی همچون آیینهای است که برخی از دقایق عرفانی در آن شده متجلی است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیشینه پژوهش

پیش از این دربارهٔ نیر تبریزی و دیوانش سخن گفته شده است، اگر چه مطالب بسیار محدود و اندک بوده است، اما می‌تواند به عنوان سوسوهایی نه چندان کم فروغ، راهگشای پژوهندگان ادب پارسی قرار بگیرد. با این همه می‌توان گفت که دیوان نیر تبریزی حق مطلب را دربارهٔ عرفان ادا کرده و به عنوان دری گرانبها به رشتهٔ تحریر درآمده است.

روش انجام تحقیق

در بررسی مباحث ادبی بیشترین چیزی که می‌تواند یاریگر باشد مطالعه کتابهای گوناگون و استفاده از آرا و نظریات پیشکسوتان است.

این امر نیز در شرایط کنونی با استفاده از کتابخانه‌ها، فیش برداری از کتاب‌ها و روش‌های تحلیلی توصیفی میسر خواهد بود. انجام این پژوهش نیز از آنچه گفته شده خالی نیست، طوری که اصطلاحات عرفانی موجود در دیوان نیر تبریزی طبق کتب معتبر شرح اصطلاحات عرفانی، توضیح داده شده و پس از توضیح شاهد شعری مربوط به آن نیز ذکر گردیده و در نهایت با نتیجه‌گیری و تنظیم فهرست اصطلاحات به پایان رسیده است.

تعریف مسئله و بیان اصلی تحقیق (زندگی و احوال نیر تبریزی)

«نیر تبریزی، فرزند دوم حجه الاسلام آخوند ملا محمد ممقانی، نامش میرزا محمدتقی مشهور به حجه الاسلام و تخلص «نیر» بوده است. او در سال ۱۲۴۸ هـ ق در تبریز ولادت یافت. ابتدا در نزد پدرش تحصیل کرد و بعد در سال ۱۲۷۰ هـ ق در سن ۲۲ سالگی برای تکمیل تحصیلاتش به نجف اشرف رفت و پس از چند سال کسب علم نزد علمای نجف، به تبریز بازگشت.» (بامداد، ۱۳۵۱: ۳۱۸)

«بعد از بازگشت از تبریز، مدتی گوشه نشینی را برگزید و به تألیف و تصنیف پرداخت. از همنشینی و هم صحبتی با مردم، تا جایی که می‌شد، کناره می‌گرفت، اما بعد از فوت برادر بزرگ‌ترش که مقام مرجعیت داشت به اجبار گوشه نشینی را ترک کرد و در بین مردم آمد و به سبب کار و رسیدگی به مراجعین فرصت تألیف نمی‌یافت. او انسان ساده زیستی بود که تا پایان عمرش نیز همینگونه ساده زندگی کرد و حتی بعد از مرگش خانه‌اش را فروختند و به مبلغی که بدهکار بود دادند.» (حصاری، ۱۳۷۰: ۱۷۷)

«نیر تبریزی یکی از بزرگ‌ترین محدثین، فقیهان و علمای آذربایجان بود و در نزد آنان و دیگر طایفه‌ها مقامی بزرگ و جایگاهی رفیع داشت؛ به گونه‌ای که همهٔ اینها از شخصیت ویژه و خصلت‌های پسندیده و آگاهی و بصیرت او خبر می‌دهد. او در علوم ادبی و شعر نیز مهارت بسیاری داشته و اشعار بسیار نیکویی داشته است.» (حبیب آبادی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۱۳۳۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«میرزا بزرگ علی آبادی یکی از هم عصران او است که موسوم به اسماعیل و معروف به «نیر» بوده، که نباید او را با نیر تبریزی اشتباه گرفت.» (فرهمند، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

«نیر تبریزی عالمی بود که به بسیاری از علوم زمان خود آگاهی داشت و او «شاعری توانا بود و در سرودن انواع شعر، فارسی و عربی و ترکی مهارت داشت و بیشتر اشعارش در مدایح و مرثیاتی ائمه اطهار و اهل بیت عصمت و طهارت، علیه السلام، است و او را شاعر اهل بیت باید نامید. غزلیاتش نیز با آنکه در مایه مدایح و مرثیاتی سروده شده، اما دارای لطف و شور و حال خاصی است.» (برقی، ۱۳۷۳: ۳۷۶۱)

«با آنکه نیر تبریزی علامه‌ای شناخته شده و امام جماعت شهر تبریز بود، اما وجودی لبریز از شور و شوق داشت و همیشه در محضر او شعراء و فضلا رفت و آمد می‌کردند. او به مطالعه دیوان شعرا بسیار می‌پرداخت.

در سرودن غزل بیشتر از سعدی و حافظ پیروی کرده و بخوبی از عهده آن بر آمده است. اشعارش بویژه غزلیات او از نظر حسن ترکیب، فصاحت بیان و ظرافت فکر ستودنی است. نیر تبریزی همانگونه که در غزلیات مهارت فوق العاده‌ای داشت در مرثیه‌گویی نیز آنچنان مهارت داشته و زیبا می‌رود که اشعار او با وجود گذشت سال‌ها همچنان در مداح‌ها و روضه‌خوانی‌ها استفاده می‌شود.» (نظمی تبریزی، ۱۳۷۸: ۷۱۴)

«نیر تبریزی قوه انتقاد و قریحه‌ای توانمند داشت و اثری که این انتقاد استوار را ماندگار کرده «الفیه عربی» اوست که با مشارکت میرزا محمد طسوجی، هر یک پانصد بیت سروده‌اند.» (تربیت، ۱۳۶۷: ۳۸۹)

«او فقیهی است عالم، شاعری است زبردست و هنرمندی است چیره دست و توانا «در حسن خط و خوشنویسی ماهر و زبردست بود. در وصف قدرت قلمی او همین بس که آنگاه که به فلج مبتلا گردید با دست چپ چنان خط می‌نوشت که از کار دست راست فرقی نداشت.» (عماد، بی تا: ص د)

«آنچه کام نیر تبریزی را در زندگی تلخ میکرد و با همان رنج و سختی و تلخ‌کامی عمر می‌گذراند، حسد حاسدان و بدخواهی مردمی خودخواه و متکبر بود که در لابه‌لای سروده‌ها و آثار او این ناملایمتهای و عدم رضایت، همچنین شکایت از رنج‌ها که در هر زمان همراه او بوده است، به صورت صریح یا ابهام و ابهام دیده می‌شود که همه این دردها از سر کوتاه نظری و ناآگاهی و بی‌بصیرتی بعضی افراد بوده است.» (صفوت، ۱۳۷۶: ۲۸)

«مرحوم حجه الاسلام همچون پدر بزرگوار و برادران والا تبارش از شیعیان خالص و مخلصین صمیمی آستان صاحب ولایت حضرت مولا امیرالمؤمنین (ع) و ائمه اطهار علیه السلام بود و در راه نشر فضائل و مناقب و اظهار و اثبات درجات و مقامات ملکوتی آن بزرگواران زحمات زیاد کشیده و مجاهدت بی‌شمار کرده و اغلب تصنیفات آن جناب در این زمینه است و در این راه از طرف اهل نظر ناکامی‌ها کشیده و رنج‌های زیادی تحمل نموده است.» (احق‌آقی، ۱۳۷۴: ه)

«این فقیه بصیر و شاعر ماهر، جایگاه ویژه و خاصی در ثبت لحظه‌های مهم اسلامی داشته و به خوبی عاشورا را ترسیم کرده است. نیر تبریزی «در یکشنبه دوازدهم ماه رمضان المبارک سنه هزار و سیصد و دوازده مطابق ۲۰ حوت ماه برجی در تبریز وفات یافت، و مدت عمرش شصت و چهار سال و چهار ماه بوده و در وادی السلام نجف مابین حصار شهر و مقام مهدی (عج) دفن شده است.» (حبیب‌آبادی، ۱۳۳۸، جلد ۴: ص ۱۳۳۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آثار تیر تبریزی

- ۱- لالی منظومه: در برگیرنده قصاید، قطعات، مراثی، مدایح، رباعیات و مفردات است. این منظومه دارای ۹۵۹ بیت و در سال ۱۳۱۵-۱۳۱۴ هـ ق، سروده است.
- ۲- دیوان غزلیات: در برگیرنده غزلیات، رباعیات، مفردات، ساقی نامه و سه قصید عربی است و این بخش پنج هزار بیت است.
- ۳- مثنوی دُرّ خوشاب: تیر تبریزی در این مثنوی به جواب گویی مثنوی «قار و دوشاب سروده آقامیرزا محمد خویی متخلص به «اصولی» رفته است. این مثنوی را در سال ۱۳۰۷ ه ق سروده و تخلص خود را در پایان آن «عمیدا» آورده است.
- ۳- الفیه: تیر تبریزی و میرزا محمد طسوجی هر یک پانصد بیت عربی سروده اند. که به زبان عربی بوده و با بعضی کلمات ترکی و لغات فارسی ممزوج شده است و موضوع آن طرایف است.
- ۴- کشف السبحات فی التحقیق الصفات، که برای کشف معضلات مسائل توحید با دلایل عقلی و نقلی است و به زبان عربی است و به نام شاهزاده مؤیدالدوله طهماسب میرزا والی آذربایجان تألیف شده است.
- ۵- رساله تفسیر و ما خلقت الانس و الجن
- ۶- شرح حدیث أنا النقطه
- ۷- صحیفه الابرار
- ۸- علم الساعه
- ۹- رساله لمح البصر
- ۱۰- مفاتیح الغیب
- ۱۱- رساله نصره الحق (ثروتیان، ۱۳۹۳: ۵-۳)

بحث و بررسی

ایمان

معنی لغوی: «اعتماد کردن، در امن قرار دادن کسی را.» (لغتنامه دهخدا)

در اصطلاح عرفا: «صوفیان ایمان را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: یکی ایمان ایجادی (حقیقت کونیّه) و دیگری ایمان ایجابی. منظور از ایمان ایجادی همان انقیاد و متابعت از اصول خلقت و قوانین حاکم بر امور تکوینی است که بالاجبار این قوانین بر همه موجودات و کائنات حاکم می‌راند و همه ره آن می‌پویند چنان که قرآن کریم نیز این انقیاد را این گونه بیان می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»؛ گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است. (سوره طه: آیه ۵۰)، بنابراین در تبعیت و انقیاد از قوانین تکوینی میان مؤمن و کافر تفاوتی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نیست ... و منظور از ایمان ایجابی، همان ایمان شرعی است که به صورت ایمان به خدا و پیامبر نمودار میشود.» (زمانی، ۱۳۷۴، دفتر اول: ۶۴۱)

«ایمان بر دو قسم است: یکی از روی برهان، یکی از روی عیان، برهانی از راه استدلال است و عیانی، یافت روز وصال است.» (همان: ۷۴۰/۲)

ایمان در دیوان نیر تبریزی

مسجدی در کسوت بتخانه‌ای
چون سُرُوشی در لباس اهرمن
(نیر تبریزی، ۱۳۷۸: ۱۶۶)

راهبسی روشندلی فرزانه‌ای
کافری روحش به ایمان مُمتحن

باده

معنی لغوی: «نوشابه‌ای است که مستی آورد، نوشیدنی، مسکر، شراب، می و ...» (لغتنامه دهخدا)
در اصطلاح عرفا: «می و باده کنایه از نشئه ذکر است و همچنین شراب را کنایه از شکر و آن محبت و جذبۀ حق میدانند. در حقیقت شراب، ذوق و وجد و حالی است که از جلوه محبوب حقیقی در اوان محبت بر دل سالک عاشق وارد میشود و سالک را مست و بیخود میکند.» (صبور، ۱۳۸۰: ۱۵۹)

«یکی از نام‌های شراب است که در ادبیات عرفانی به‌ویژه ادب منظوم عرفانی بسیار به کار رفته است.» (سجادی، ۱۳۷۳: ذیل باده)

در اصطلاحات فخرالدین عراقی آمده است: «باده، عشق را گویند وقتی که ضعیف باشد و این عوام را باشد در بدایت سلوک.» (عراقی، ۱۳۶۲: ۸۶)

«اما از مفاد منظومات عرفانی چنین برمیآید که باده، می، غلیان، عشق ناشی از بارقات متواتر است و از این روی گاه باده عرفان گفته‌اند.» (سجادی، ۱۳۷۳: ذیل باده)

محمد لاهیجی در گلشن‌راز در مورد باده می‌گوید: «بعضی در مدرسه، میان اهل وسوسه بسیار جان‌کنده‌اند و کمندی چند از تقلید در گردون افکنده‌اند، نه در میخانه به حق باده عرفان نوشتند، نه در قدم پیر مغان به تهذیب اخلاق کوشند.» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۱۶۳)

باده در دیوان نیر تبریزی:

آمده چون خم ز سرشاری به جوش
(نیر تبریزی، ۱۳۷۸: ۲۵)

باده عشقش، ز سر بر بوده هوش

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بلا

معنی لغوی: «بلاء، آزمون، آزمایش، سختی، غم و اندوه.» (لغتنامه دهخدا)
در اصطلاح عرفا: «ظهور امتحان حق است بنده را در تحقق حالش هنگام ابتلا، و آن ابتلا عبارت است از آنچه از تعذیب بر او نازل شود. بلا ظهور امتحان است از حق عارف را تا در عبودیت و ربوبیت مقصر معرفت در عشق نشود، نیز امتحانات الهی را محسوب میگردد که از جهت تطهیر نشأت سالک باشد.» (گوهرین، ۱۳۷۶: ۳۲۹)
ابوالحسن علی بن عثمان هجویری در کشف‌المحجوب بلا را اینچنین بیان میدارد: «بلا نام رنجی باشد که بر دل و تن مؤمن پیدا شود که حقیقت آن نعمت بود و به حکم آن که سر آن بر بنده پوشیده باشد به احتمال کردن آلام آن، وی را از آن ثواب باشد و باز آنچه بر کافران باشد آن نه بلا باشد و هرگز هر کافران را از شقا شفا نبوده.» (هجویری، ۱۳۸۹: ۵۰۳)
و از نظر دکتر عباس کیمنش: «بلا عبارت است از ظهور امتحان حق نسبت به بنده خود است به واسطه ابتلا کردن آن را به ابتلائات از تعذیب و رنج مشقت.» (کی منش، ۱۳۳۵: ۲۴۶)

بلا در دیوان نیر تبریزی

آن خلیل حلم و ایوب بلا	نوح طوفان و حسین کربلا (نیر تبریزی، ۱۳۷۸: ۶)
هین بران کشتی به خون در کربلا چون در آن دشت بلا افکند بار	نوح را برهان ز طوفان بلا کرد از بیگانگان خالی دیار (همان: ۷)
این حسین و این زمین کربلاست	سوی تا سو، تیرباران بلاست (همان: ۱۰)
شاد زی شاد، ای زمین کربلا!	این من و این تیرباران بلا (همان: ۱۱)
اندر این دشت بلا تا پا زدیم	پای بر دنیا و مافیها زدیم (همان: ۱۳)
که کنم این جان فدای جان تو	در بلا باشم بلاگردان تو (همان: ۳۲)
دور چون بر آل پیغمبر رسید	اولین جام بلا اکبر چشید (همان: ۴۴)
شیر مست جام لبریز بلا	تازه داماد شهید کربلا (همان: ۵۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گرچه تا بوده است دور روزگار عاشقان را با بلا بوده است کار
(همان: ۸۱)

تجلی

معنی لغوی: «آشکار شدن و آشکار کردن و به استعمال فارسیان، کنایه از غلبه نور الهی که موسی (ع) را بر طور شده بود و موسی (ع) از آن بیهوش شدند.» (فرهنگ آندراج)

«تجلی، اشراق نور اقبال حق است بر دل مقبلان.» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۰: ۶۱۷)

در رساله محبت نامه آمده است: «تجلی، برقی است که چون تابان گردد، عاشق از تابش وی ناتوان گردد؛ خواهد که در وی به جان گردد، و مرد در آن میان نهان و او عیان گردد. تجلی ناگاه آید، اما بر دل آگاه آید. هر که را خبر بیش. تجلی ذات عاشق را مست کند، تجلی صفات وی را نیست کند، تجلی ذات وی را هست کند، مرد باید که دریافت وی افروخته باشد تا دریافت وی سوخته باشد. سوخته چون به سوخته رسد جا گیرد. چون به افروخته رسد بالا گیرد. این آتش را هر موم نشاید و این عاشق را دیده عموم نشاید. در پیش تجلی جمال محبوب، نثار نفس معیوب نشاید. جز جان مهندس به مطلوب نشاید. که رحمت آن را از طاعت خویش دور دارد و ظلمت را از عبادت خویش نور دارد که یک ذره از این جمال مایه انوار، افق اعلی را تمام است از شرار در وعده تجری من تحتها الانهار، تا نکنی افکار.» (انصاری، ۱۳۴۹: ۱۳۳)

بعضی از بزرگان گویند: «تجلی، برخاستن حجاب بشریت باشد نه آن که ذات حق متلون گردد. و استتار آن باشد که بشریت میان تو و میان دیدن غیب باز دار.» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۱۵۶۳/۴)

«تجلی ظهوری بر دو نوع واقع است: یکی عام و دیگری خاص. عام را «تجلی رحمانی» می‌نامند که اضافه وجود مع ما یُتبعه من الکمالات بر تمامت موجودات فرموده و در این تجلی همه موجودات مساویاند. و هر دو عالم را که عبارت از غیب و شهادت و دنیا و عقباست، بدین تجلی به انوار وجود روشن ساخته، و تجلی دوم را که خاص است، تجلی رحیمی گویند که فیضان کمالات معنویه، بر مؤمنان و صدیقان و اربابالقلوب می‌فرماید؛ و از این تجلی تعبیر به «فیض» نموده.» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۴)

تجلی در دیوان نیر تبریزی

بسوزد یکسر از برق تجلی کوه فارانش
(نیر تبریزی، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

کشیده لشکر کین از پس و پیش
من از ذوق تجلی رفته از خویش
(همان: ۴۴۶)

به بطحا تابدار عکسی از خشت طلق زرینش

برای قتل من خصم کج اندیش
یکی سر میبرد از من، یکی دست

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری

نیر تبریزی (۱۳۱۲ هـ ق - ۱۲۴۸ هـ ق) انسانی وارسته و دارای علم و آگاهی فراوان و از عالمان و فقهای بزرگ آذربایجان است. او در علوم ادبی و شعر نیز مهارت داشته و تخلص او در شعر (نیر) بوده است. بیشتر اشعار نیر تبریزی در مدح و مرثیاتی (ع) بوده است. در سرودن شعر از حافظ و سعدی پیروی کرده و غزلیاتی بسیار محکم و استوار دارد. بیشتر آثار و تألیفات ایشان نیز در زمینه دین و اهل بیت (ع) است.

یکی از آثار برجسته نیر تبریزی دیوان اشعارش است که به سه بخش مثنوی آتشکده، لالی منظومه و دیوان غزلیات تقسیم شده است. مثنوی آتشکده در موضوع مرثیه است و واقعه عاشورا را به شیوه های زیبا و هنرمندانه به تصویر کشیده است و در لالی منظومه نیز در موضوع هایی چون مرثی و مدح و منقبت اهل بیت سروده است و دیوان غزلیات او نیز دربردارنده غزل، رباعی، مفردات و ساقی نامه است که غزلیاتی عارفانه و لبریز از عشق حقیقی دارد.

نیر تبریزی در جای جای اشعار خود از سلوک در راه حق سخن می گوید که اگر چه به صورت یک جا و منسجم مراحل و مراتب سلوک را بیان نمی کند، اما به صورت پراکنده و نکته ای از وادی های سلوک و مفاهیم عرفانی مرتبط با سلوک سخن می گوید. با بررسی دیوان اشعار نیر تبریزی از مفاهیم عرفانی مرتبط با عرفان را یافته ایم که نیر تبریزی به خوبی آنها را بیان کرده و اثرات و نتایج آن را نیز با توجه به عمل کردن به این مراحل بررسی کرده و شرح داده است. از جمله مفاهیم عبارتند از: ایمان، باده، بلا، تجلی.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - احقاقی، عبدالرسول؛ مقدمه دیوان اشعار (آتشکده، لالی منظومه، غزلیات) میرزا محمدتقی حجت الاسلام، انتشارات جمهوری، قم، ۱۳۴۷.
- ۳ - بامداد، مهدی؛ تاریخ حال رجال ایران (در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴)، انتشارات زوآر، تهران، ۱۲۵۱.
- ۴ - برقی، محمدباقر؛ سخنوران نامی معاصر ایران، انتشارات خرم، قم، ۱۳۷۳.
- ۵ - بقلی شیرازی، روزبهان؛ شرح شطحیات، تصحیح و مقدمه فرانسوی از هنری کربین، انتشارات انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران، تهران، ۱۳۶۰ هـ ق و ۱۹۸۱ م.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۶ - پادشاه، محمد؛ آندراج، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، انتشارات، خیام تهران، ۱۳۳۶.
- ۷ - تربیت، محمدعلی؛ دانشمندان آذربایجان، انتشارات بنیاد کتابخانه فردوسی، تبریز، ۱۳۶۷.
- ۸ - ثروتیان، بهروز، (۱۳۵۲)، فرهنگ اصطلاحات و تعاریفات نفایس الفنون، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تهران.
- ۹ - حبیب آبادی، محمدعلی معلم مکارم الآثار؛ در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ قمری، ج ۴، انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی، اصفهان، ۱۳۳۸.
- ۱۰ - دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۱ - زمانی، کریم؛ شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر اول، با مقدمه دکتر اسماعیل حاکمی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۲ - سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۳ - صبور، داریوش؛ ذره و خورشید، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۴ - صفوت، محمدعلی؛ داستان دوستان (تذکره شعرا و ادباء آذربایجان)، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات ابو (مجموعه تاریخ و ادب آذربایجان)، تبریز، ۱۳۷۶.
- ۱۵ - عراقی، فخرالدین؛ کلیات دیوان عراقی، اصطلاحات دیوان عراقی، با مقدمه سعید نفیسی، تعلیقات از م. درویش، چاپ سوم، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۶ - عماد، علی‌اکبر؛ مقدمه دیوان آتشکده «نیر»، مقابله تصحیح و توضیح علی‌اکبر عماد، مرکز نشر کتاب، تهران (بی‌تا).
- ۱۷ - فرهمند، محمد؛ «الفیه نیر تبریزی و جایگاه آن در بین انواع ادبی»، مجله دانشنامه، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۰.
- ۱۸ - کی‌منش، عباس؛ پرتو عرفان، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۳۵.
- ۱۹ - گوهرین، سیدصادق؛ شرح اصطلاحات تصوف، چاپ دوم، ج ۱ و ۲، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۰ - مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد؛ شرح التّعرف لمذهب التصوف، تصحیح و تحشیه محمد روشن، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۱ - نظمی تبریزی؛ دویت سخنور، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۲ - نیر تبریزی ممقانی، محمدتقی بن محمد؛ دیوان، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۳ - هجویری، ابوالحسن، علی بن عثمان؛ کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، مقدمه قاسم انصاری، چاپ نهم، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۸۲.